

مؤلفه‌های امنیت در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)

● حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سالار*

چکیده

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های امنیت - امنیت سیاسی - امنیت فرهنگی - امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی.

در این نوشتار مفهوم امنیت و معنای لغوی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسنده در این مقاله تلاش کرده است تا مؤلفه‌های امنیت را که شامل امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره) تبیین نماید.

در مقام بحث از امنیت سیاسی در دو بعد داخلی و خارجی مطالبی ارائه کرده‌اند که در عرصه سیاست داخلی عناصری چون ولایت فقیه، صیانت از اسلامیت، مردم‌سالاری دینی، رعایت اصل استقلال و قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی تأکید شده است.

نگارنده در مبحث مردم‌سالاری دینی به پاره‌ای از حقوق مردم بر حکومت از قبیل: حق تعیین سرنوشت، آزادی اراده و انتخاب، مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی، تأمین آسایش و رفاه، احزاب و تشکلهای سیاسی و تأمین جانی و مالی مردم اشاره کرده است و در بعد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز به سیاست نه شرقی نه غربی، روابط حسنه و مسالمت‌آمیز، اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، نفی ظلم و ظلم‌پذیری

(لا تظلمون و لا تظلمون) و بنا به فرمایش مقام معظم رهبری سه اصل بنیادین عزت، حکمت و مصلحت تصریح گردیده است.

اما در مقوله امنیت اجتماعی مطالبی حول محور استقرار عدالت اجتماعی، امنیت شغلی و مسکن، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی، نظارت عمومی و اصل امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام خمینی (ره) بیان شده است. در بحث امنیت اقتصادی پیرامون اسلام عامل تعدیل ثروت، خودکفایی در بخش کشاورزی، فقرزدایی با استناد به اقوال و کلمات امام راحل (ره) مطالبی عنوان گردیده است.

به طور کلی نگاه امام راحل (ره) به مفهوم امنیت، نگاهی کلان نگر و عمیق می باشد و در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی هر نظمی را تأیید نمی کند و اسیر ظواهر نمی شود.

نگارنده معتقد است امنیت ملی و عمومی و برقراری نظم باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود و تبعیت از قانون ارزش به حساب آید و این امر مستلزم تلاش مضاعف دولت و مردم خواهد بود.

مؤلفه های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)

مقوله «نظم و امنیت» از دیدگاه اسلامی یکی از مهم ترین اصول حیات و اساسی ترین شاخصه و شاکله حکومت و نظام سیاسی است.

یکی از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت و برقراری نظم و آرامش در مسیر رشد و توسعه جامعه می باشد که بابه کارگیری و استخدام ابزار و امکانات متنوع باید به این امر مهم همت گمارد و همچنین، جامعه اسلامی نیز وظیفه دارد ولایت ایمان را به ثبوت رسانیده و به منظور پرهیز از بی نظمی و هرج و مرج، فریضه حیات بخش امر به معروف و نهی از منکر را اجرا نماید.

برای آشنایی هر چه بیشتر با دیدگاه های حضرت امام راحل (ره) شایسته است جایگاه امنیت را در اسلام به طور فشرده و مختصر مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا اندیشه و مواضع امام در این خصوص که برگرفته از روح تعالیم اسلام ناب است روشن شود.

معنای لغوی واژه امنیت

کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد.

واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است.

در تعریف امنیت «Security» می‌توان گفت:

«در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود.^۱»

امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است.

«واژه‌ی امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد. بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارآیی پیدا کند.»^۲

«والتر لیپمن» محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد:

«یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد.»^۳

نکته‌ای که در اینجا لازم به یادآوری است، مفهوم امنیت می‌باشد. «آنچه که امروز در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مفهوم امنیت ملی «National security» است نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه برمی‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی چون «ملی» و «ملیت»، خلق شد و دارای تعاریف و محدوده‌های خاصی گشتند.»^۴

تا امروز مفهوم امنیت دچار تحولات مختلفی شده است که طرح آن در این مقاله

امنیت از نگاه اسلامی

اسلام برای امنیت اهمیت ویژه‌ای قابل است و حفظ و تأمین امنیت را از وظایف دولت اسلامی می‌داند و برای برقراری نظم و آرامش عمومی دستورالعمل‌های جالب و ارزنده‌ای دارد. اسلام به اخلاص‌گران در امنیت جامعه هرگز اجازه نمی‌دهد هرج و مرج ایجاد نمایند و نظم جامعه را مختل سازند.

قرآن کریم به عنوان اولین متون اسلامی «امنیت» را در زمرهٔ امدادهای الهی می‌شمارد و می‌فرماید: «ثم أنزل عليكم من بعد الغم أمنةً نعاساً»^۵

[سپس، بعد از آن غم و محنت، آرامشی (به صورت) خوابی سبک بر شما نازل کرد.] و نیز امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و حکومت صالحان و طرح امامت می‌داند و در این باره می‌فرماید:

«وعدالله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم...»^۶

[خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را در این سرزمین جانشین گرداند، چنانکه امت‌های صالح پیامبران سلف جانشین (پیشینیان) خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از ترس و اندیشهٔ از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بدون هیچ شائبه شرک و ریا پرستش نمایند.]

همچنین، امنیت ناشی از ایمان آوردن است و مؤمنان شایسته امنیت هستند.

«هو الذي أنزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا إيماناً مع إيمانهم»^۷

[اوست خدایی که آرامش را در دل‌های مؤمنان جای داد تا ایمانی برایمانشان

بیفزاید.]

و تأمین امنیت را از اهداف مهم جهاد می‌داند و می‌فرماید:

«وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الذين لله»^۸

با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین فقط دین الهی

باشد. خداوند برخی از مکان‌ها را جایگاه امن قرار داده است یکی از آنها کعبه حرم امن ۱۱۵ الهی است که وسیله بهره‌وری و کسب ثواب نیز می‌باشد:

«و ان جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً...»^۹

[خانه (کعبه) را بازگشتگاه و حرم امن مردم قرار دادیم].

«و ان قال ابراهيم رب اجعل هذا بلداً آمناً...»^{۱۰}

او چون ابراهیم گفت: پروردگارا اینجا را شهری امن به گردان و از شهروندان هر کس را که به خداوند و روز قیامت ایمان ورزد از فرآورده‌های آن روزی به بخش]

همچنین از مثل‌ها و الگوهای قرآنی، شهری است که از امنیت برخوردار باشد:

«و ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة...»^{۱۱}

[خداوند شهری را مثال می‌آورد که امنیت و آرامش داشته و از هر طرف رزق و

روزی فراوانی به آنها می‌رسیده است.]

یکی دیگر از جایگاه‌های امن در نگاه قرآن بهشت الهی است، که خداوند به مسلمان

در بهشت نوید امنیت می‌دهد و می‌فرماید:

«ادخلوها بسلام آمنین...»^{۱۲}

[به سلامت و در امن و امان به آنجا وارد شوید.]

مداهنه و سازش با دشمن را مغایر با امنیت قلمداد می‌کند و می‌فرماید:

«فلا تطع المكذبین و دوالوتدهن فیدهنون...»^{۱۳}

[هرگز از کافران که آیات خدا را تکذیب می‌کنند پیروی مکن. آنان بسیار مایلند تا با

تو سازش کنند.]

علاوه بر آیات متعدد قرآنی درباره امنیت، می‌توان در بیشتر منابع و متون اسلامی

هم مطالبی پیدا کرد. به عنوان مثال نگاهی به نهج البلاغه می‌اندازیم که بدون تردید پس از

قرآن کریم دارای مقام و منزلتی رفیع و بی‌رقیب در میان آثار جهانیان می‌باشد.

امیر مؤمنان علی (ع) اسلام را به خودی خود «امنیت‌آور» می‌خواند و می‌فرماید:

«فجعله أمناً لمن علقه و سلمات لمن دخله...»^{۱۴}

[خداوند اسلام را وسیله امنیت برای کسی قرار داده که آن را به پذیرد]

امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر انعقاد قراردادهای صلح را به منظور تأمین نظم

و امنیت و جلوگیری از ناامنی، مطلوب می‌داند:

«... فان في الصلح دعة لجنودك و راحة من همومك، و امناً لببلادك.»^{۱۵}

[زیرا در آشتی و صلح، آسایش لشگریان و مصونیت از غم و اندوه‌ها و موجب امنیت و آرامش شهرها خواهد بود.]

به علاوه آن حضرت تأمین امنیت و آرامش در جامعه را از اهداف والای امامت و حکومت صالحان می‌شمارد و می‌فرماید:

«... و نظهر الاصلاح في بلادك فيأمن المظلومون من عبادك.»^{۱۶}

[حکومت را به دان جهت پذیرفتن تا در شهرهای تو اصلاح و آسایش برقرار سازیم و بندگان ستم کشیده‌ات احساس امنیت نمایند.]

همچنین، امیرمؤمنان علی (ع) در مقام تبیین شیوه حکومت داری، حفظ و تأمین امنیت را از وظایف حکومت اسلامی می‌داند و به طور کلی وظیفه دولت اسلامی را در سه موضوع اعلام می‌دارد:

۱- اصلاح امور مردم

۲- عمران و آبادانی شهرها

۳- حفظ مرزهای اسلامی^{۱۷}

ترقی و تعالی انسانها و تکامل و رشد استعدادهای نهفته در نهاد آدمی، توسعه و ترقی سرزمین اسلامی و حفظ و حراست از مرزهای کشور اسلامی از وظایف بسیار مهمی است که حکومت باید به آن اهتمام ورزد و به هیچ عنوان اجازه شانه خالی کردن از آن را ندارد.

نکته‌ای که در اینجا حایز اهمیت است اینکه محدوده این امنیت شامل همه مسلمانان جهان و همه غیر مسلمانان تحت حکومت اسلامی می‌شود. نمونه معروف آن سیره نبی اکرم (ص) و پیشوایان اسلامی است که از حقوق مردم در برابر ستم و تجاوز دیگران و در مقام دفاع از امنیت مسلمانان و حفظ مرزهای سرزمین‌های اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند و همواره به مردم یادآور می‌شدند که آمادگی خویش را در برابر دشمنان پاس بدارند.

ماجرای کندن خلخال از پای زن یهودی در زمان حکومت حضرت امیر (ع) را همگان شنیده‌ایم که این قضیه، آن حضرت را غمگین ساخت و عاملان این ماجرا را به شدت نکوهش و ملامت کرد. حکومتی که برای حفظ امنیت داخلی این گونه از غیر مسلمانان

دفاع می‌کند، بدون تردید در برابر تجاوز دشمن خارجی نیز همین حقوق را در نظر دارد ۱۱۷ و نسبت به حفظ کیان اسلام، حدود و ثغور سرزمین اسلامی و مردم هرگز بی‌تفاوت نمی‌باشد.

امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

اکنون که جایگاه نظم و امنیت از منظر قرآن و روایات اسلامی بطور فشرده و مختصر اشاره شد، جا دارد براساس مطالب فوق، با استناد به فرمایشات و مجموعه آثار حضرت امام خمینی (ره) مواضع و دیدگاه‌های ایشان را در این خصوص تبیین نماییم. هرچند سخن گفتن از نظم و امنیت در اندیشه‌ی شخصیت بزرگی چون امام راحل (ره) بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

شخصیتی که نه تنها امنیت و آسایش نظام ظالمانه شاهنشاهی را در ایران در هم ریخت بلکه هیمنه استکبار جهانی و استعمارگران شرق و غرب را در هم شکست و مدعیان دروغین نظم نوین جهانی را رسوا کرد و جهانیان به ویژه مستضعفان و ستم کشیدگان را به آرامش و امنیت در سایه عزت و اقتدار اسلام ناب محمدی دعوت نمود. با مراجعه به راه امام و کلام آن بزرگوار می‌توان استنباط کرد که نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان نگر و عمیق می‌باشد و به تعبیر دیگر در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظمی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد و به شکل ظاهری بسنده نمی‌کند. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به برخی از مؤلفه‌های امنیت که اهمیت ویژه‌ای دارند نظیر امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در اندیشه و افکار امام خمینی (ره) به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. امنیت سیاسی

در بحث امنیت سیاسی دیدگاه‌های امام راحل (ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و بعد سیاست خارجی مورد توجه قرار داد:

در زمینه سیاست داخلی عوامل زیر به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت نظام جمهوری اسلامی قابل بحث می‌باشند:

- جایگاه ولایت فقیه و رهبری

- صیانت از اسلامیت نظام

- پایگاه مردمی نظام

- رعایت اصل استقلال

- التزام به قانون (قانون گرایی)

پرداختن به بحث تفصیلی هر یک از محورهای فوق و شناخت دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در مورد تک تک این موارد در این مقاله مقدور نمی‌باشد بلکه ناچاریم بطور اجمال اشاره‌ای داشته باشیم.

۱. جایگاه ولایت فقیه و رهبری

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نقش و جایگاه ولایت فقیه با توجه به پیام‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های متعدد ایشان بر هیچکس پوشیده نیست. به عنوان نمونه درباره اهمیت این اصل اساسی در یکی از سخنان خویش می‌فرماید:

«بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است.»^{۱۸}

همچنین در یکی دیگر از سخنان خود، شأن امنیتی این اصل مهم را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید:

«... من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد.»^{۱۹}

۲. صیانت از اسلامیت نظام

با مطالعه در سیره عملی و نظری حضرت امام استفاده می‌شود که در اندیشه ایشان یکی از ارکان اساسی مشروعیت نظام، اسلامی بودن است. لذا چه پیش از برقراری جمهوری اسلامی و چه پس از آن همواره اسلامیت آن را به مثابه موضوع امنیتی تلقی کرده و صیانت از اسلامیت نظام را واجب و لازم دانسته‌اند و در این باره می‌فرمایند:

«اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.»^{۲۰}

از این رو براساس آنهمه تأکید و توصیه‌های امام بر حفظ مکتبی بودن و اسلامی ۱۱۹ بودن نظام، هرگونه تلاش و حرکتی برای طرح و حاکم ساختن الگوی غیراسلامی، از آنجا که با جوهره ارزشی نظام جمهوری اسلامی تعارض دارد، به عنوان حرکت ضد امنیتی محسوب می‌شود و طبق اصل اول و دوم قانون اساسی در حکم تهدید به حساب می‌آید و مقابله با آن ضروری است.

«واقع مطلب این است که اینها اسلام را نمی‌خواهند. اگر جمهوری اسلامی یک جمهوری دموکراتیک بود، آنها حرفی نداشتند، لکن جمهوری، اسلامی است، که دستورات اسلام برای آنها در غارتگری‌ها و در زورگویی‌ها، مجال نمی‌خواهد بدهد.»^{۲۱}

۳. پایگاه مردمی نظام

حضرت امام (ره) در مشروعیت حکومت، همواره به دو رکن اسلامیت و جمهوریت اشاره کرده‌اند و تخلف از آن را به هیچ وجه جایز نمی‌دانند، مقام معظم رهبری نیز در برخی از سخنان خویش به شکل‌گیری حکومت اسلامی بر دو پایه الهی و مردمی (جمهوری اسلامی) تأکید ورزیده‌اند.

از دیدگاه امام حکومتی مشروعیت دارد که مبتنی بر قوانین و احکام اسلام و نیز متکی به رأی مردم باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است مثل سایر جمهوری‌ها و لکن قانونش قانون اسلامی است.^{۲۲} و لذا از نظر حضرت امام، اگر حکومت و حاکمان، رضایت و پذیرش مردمی داشته باشند، خداوند متعال هم از آنان راضی می‌شود. از همین روست که ایشان حکومت اسلامی را حکومتی موافق مردم و موافق حکم خدا معرفی کرده‌اند.^{۲۳}

بر طبق نص صریح قانون اساسی^{۲۴} و اسلام سیاسی مورد نظر امام خمینی (ره)، اراده مردم در اداره امور جامعه باید دخالت داشته باشد و بدن تکیه حکومت بر اراده و رأی مردم، مشروعیت حکومت مورد تأمل خواهد بود. از این رو همواره مردم را ذی حق دانسته و مسئولان را نسبت به ادای حقوق مردم سفارش نموده‌اند.

برای روشن شدن دیدگاه امام (ره) در این خصوص به موارد ذیل به طور خلاصه

اشاره می‌شود:

«از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.»^{۲۵}

«همه عقلای عالم این مطلب را قبول دارند که هر بشری نسبت به سرنوشت خودش آزاد است. می‌تواند رأی آزاد بدهد و رئیس مملکت، شکل اداره مملکت را خودشان تعیین کنند و برحسب حقوق بشر این خواست آنها باید ممضی باشد.»^{۲۶}

۲- مردم و آزادی اراده و انتخاب

به اعتقاد امام حکومت اسلامی، دقیقاً حکومتی مطابق با این اصل عقلی و شرعی است زیرا که حکومت اسلامی و حکومت عدل، حکومتی است که «تابع مردم»، «برای مردم» و مبتنی بر «رأی مردم» است.^{۲۷}

در مورد انتخاب آزاد مردم نیز بیانات متعددی دارند و از نظرایشان این انتخاب باید آزادانه باشد. در این باره می‌فرمایند:

«همان طوری که بارها گفته‌ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود، جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلاح را دارند.»^{۲۸}

۳- مردم و لزوم مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی

در اندیشه سیاسی امام (ره)، مردم به عنوان شریک بزرگ حکومت، نقش کلیدی و محوری در ارکان نظام و اداره کشور دارند:

«بدون اینکه این ملت همراهی کند ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم. هر چی داریم از اینهاست و هر چی هست مال اینهاست، دولت عامل اینهاست، قوه قضاییه عامل اینهاست، قوه اجراییه عامل اینهاست، قوه مقننه عامل اینهاست.»^{۲۹}

«از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه، مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتیه و چه بسا که در بعضی مقاطع عدم حضور و مسامحه گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.»^{۳۰}

حکومت اسلامی... حکومتی است که زندگی شما را زندگی مرفه ان شاء... قرار می‌دهد.»^{۳۱} و «همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند.»

برای تأمین رفاه و آسایش مردم و رسیدگی به امور آنان توصیه و سفارش‌های فراوانی به مسئولان و نمایندگان مجلس نموده‌اند و می‌فرمایند:

«طرح‌ها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید و از نکته سنجی‌ها و تغییر عبارت غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید و از وزارت خانه‌ها و مأموران اجرا بخواهید از کاغذ بازی‌ها و غلط کاری‌های زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگی‌های آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند.»

۵- احزاب و تشکل‌های سیاسی

حضرت امام در اشاره به این مطلب، اختلاف سلیقه و آراء را عامل ضعف و انحطاط جامعه نمی‌دانند بلکه در صورتی که موجب حفظ وحدت اصولی باشد، پسندیده و مطلوب است:

«اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جاروجنجال اینها باشد لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم دشمن هم، باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.»^{۳۲}

۶- اعتبار رأی اکثریت مردم از مجموعه بیانات و گفتار امام (ره) در این خصوص برمی‌آید که مشروعیت و اعتبار همه مراکز قدرت را رأی اکثریت مردم می‌دانند و می‌فرمایند:

«حکومت اسلامی ما متکی به آرای عمومی خواهد بود.»^{۳۳}
 «معنا ندارد که یک اقلیتی بخواهد تحمیل کند به یک اکثریتی، این خلاف دموکراسی است که شما به او عقیده دارید. خلاف آزادی است. خلاف همه انسانیت است بخواهند یک‌عهده معدودی که اقلیت هستند تحمیل کنند بر یک عده (بیشتر).»^{۳۴}

۷- دفاع از جان و مال و ناموس مردم

«دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از

۱۲۲ واجبات است. ما داریم به این واجب عمل می‌کنیم، کشور ما دارد به این واجب عمل می‌کند.^{۲۵}

ایشان در مقام تعامل با اقلیت‌های دینی و رسمی در ایران نیز دستور می‌دهند با آنان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار شود^{۲۶} و در احوال شخصیه و دستورات دینی مطابق با قانون خود عمل کنند: «ما می‌خواهیم همه مردم، همه مسلمین و غیر مسلمین همه در صلح و صفا باشند، لکن معنایش این نیست که اگر یک کسی بخواهد بریزد در منزل یک کسی و تعدی کند، ما بگوییم که سرصلح داشته باشید و تن بدهید به ظلم، نه...»^{۲۷}

۴. رعایت اصل استقلال

نظام جمهوری اسلامی ایران دارای نظامی است با هویت مستقل اسلامی و ملی. حفاظت و پاسداری از استقلال و میثاق ملی که با پرداخت بهای سنگین بدست آمده است به عنوان بخشی از رسالت امنیتی محسوب می‌شود. بر این اساس در اصل نهم قانون اساسی، صیانت از استقلال و تمامیت ارضی به مثابه وظیفه مهم و اصلی حکومت تلقی شده و هر گونه فعالیتی که به نوعی استقلال و میثاق ملی را تهدید نماید، غیر مشروع و اخلاص به امنیت کشور خوانده شده است.

امام بزرگوارمان همواره مردم را به پاسداری از این نعمت بزرگ توصیه نموده و در یکی از سخنان خویش می‌فرمایند:

باز سفارش می‌کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق و غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند، یا رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال، و این مسئله ممکن است چند سالی طول بکشد ولی مردم یقیناً دو مین راه را که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد.^{۲۸}

حضرت امام (ره) در خطابه‌های سیاسی و افکار و اندیشه‌های خویش، تعبیرها و عبارات‌های متعددی را به کار برده‌اند که مهم‌ترین آنها را می‌توان اینطور خلاصه کرد:

- خود باوری و خودکفایی شرط استقلال.
- بازگشت به اصالت و هویت اسلامی خویش.
- تحمل سختی‌ها و مشکلات در راه کسب استقلال.

«اگر کشوری بخواهد امنیت را توأم با استقلال کامل تأمین کند، کار مقداری مشکل و ۱۲۳ سخت خواهد بود. به ویژه کشوری که دارای آرمان‌ها و ارزش‌های مقدس بوده و مایل است هویت مستقل اسلامی و ملی خود را حفظ کند. برای کشوری که می‌خواهد در بعد سیاسی دارای استقلال کامل بوده و خود تصمیم گیرنده باشد و جلوی دخالت‌های نابجای دیگران را بگیرد و در بخش اقتصادی به جای منافع مشترک به دنبال منافع ملت خود باشد، تأمین امنیت دشوارتر خواهد بود و بالمآل جامعه بار سنگین‌تری را بردوش خواهد کشید. چنین کشوری دارای دشمنان فراوانی در سطح جهان و منطقه خواهد بود.»^{۳۹}

در اندیشه سیاسی امام (ره) هر گونه وابستگی و دخالت اجانب در مقدرات ملت‌ها اعم از وابستگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی، خود باختگی و احساس حقارت در برابر فرهنگ بیگانه غربی به عنوان عوامل ناامنی و موانع استقلال و خودکفایی می‌باشند و از دیدگاه امام محکومند.

۵. التزام به قانون

یکی دیگر از عوامل ایجاد نظم و امنیت در جامعه، قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی است. اگر قانون نباشد دو حالت بیشتر پیش نخواهد آمد: حالت اول این است که جامعه دچار هرج و مرج می‌شود. در آن صورت، هیچ موجودی امنیت ندارد و بدیهی است که هرج و مرج مغایر با رشد و سعادت جامعه است... حالت دوم، استبداد است.^{۴۰}

امام خمینی (ره)، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون عدل الهی دانسته و به اعتقاد ایشان «همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مظهر قدمی بردارد.»^{۴۱}

همچنین امام (ره) همه مردم و مسئولان را به رعایت قانون اساسی و ضوابط اسلامی فراخوانده و می‌فرماید: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید و لو برخلاف رأی شما باشد، باید بپذیرید برای اینکه میزان اکثریت است و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه ما باید بپذیریم. من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم، مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد،... خوب ما هم می‌پذیریم.»^{۴۲}

و اما در زمینه سیاست خارجی دیدگاه‌های امام (ره) را می‌توان فهرست‌وار به صورت محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱- گستره روابط براساس مبانی اسلامی و انسانی
- ۲- اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر
- ۳- روابط حسنه، مدارا و مسالمت‌آمیز
- ۴- اصل آزادی، استقلال و منافع ملی
- ۵- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری
- ۶- نفی ظلم و ظلم‌پذیری (لاتظلمون و لاتظلمون)
- ۷- اصل نه شرقی - نه غربی
- ۸- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان
- ۹- دفاع از مستضعفان و مظلومان
- ۱۰- کمک به نهضت‌های آزادی بخش
- ۱۱- صدور انقلاب اسلامی^{۳۳}

امام راحل (ره) در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌المللی نیز بر نفی وابستگی سیاسی و سیاست نه شرقی، نه غربی و حفظ مصالح اسلام و مسلمانان تأکید دارند و در پیام‌ها و سخنرانی‌ها و فرمایشات خویش روی محورهای یازده گانه که یادآور شدیم تکیه می‌کردند و تخلف و عدول از این سیاست را خیانت و اخلال در امنیت و استقلال نظام می‌دانستند.

ایشان در پاسخ به نامه رؤسای قوای سه گانه که در تاریخ ۶۷/۷/۱۱ ارسال نمودند، این‌طور فرمودند:

«برهیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود.^{۳۴}»

مقام معظم رهبری نیز اصول سیاست خارجی را حول محور سه اصل بنیادین عزت، حکمت و مصلحت بیان کرده‌اند که به کار بستن این اصول در عرصه روابط بین‌الملل، نشانه شوکت و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

«... متأسفانه برخی از کشورها، تز معروف «استقلال کمتر، امنیت بیشتر» را دنبال

می‌کنند و برای آسودگی خیال و جلوگیری از تجاوز دشمن، کشور خود را در اختیار یک قدرت بزرگ قرار داده‌اند این امر به قول معروف «خودکشی از ترس مرگ» است! یعنی ما خودمان کاری کنیم که دشمن دیگر نیازی به تجاوز نداشته باشد، در همه بخش‌ها دشمن را سهیم و شریک کنیم تا نیازی به تجاوز نباشد!! بنابراین در بخش سیاسی مقداری وابستگی، در بخش فرهنگی مقداری بی‌هویتی، تسلیم و تقلید کورکورانه و در بخش اقتصادی اشتراک منافع با دیگران، حاصل این تفکر است. کشورهای در اطراف ما وجود دارند که مجری این روش‌ها هستند. در خود ایران قبل از انقلاب نیز، وضع چنین بود. مردم ما در گذشته با این شیوه کاملاً آشنا بودند و امنیت در ایران از طریق وابستگی در بخش سیاسی، در بخش فرهنگی و در بخش اقتصادی تأمین می‌شد.^{۴۵}

۲. امنیت فرهنگی

امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه فرهنگ هر موجودیت و حیات هر جامعه‌ای نقش اساسی و محوری دارد و اصلاح فرهنگ در رأس همه اصلاحات به شمار می‌آید، از جمله دست آوردهای انقلاب اسلامی را برقراری فرهنگ استقلالی در جامعه توسط دانشگاه مستقل و حوزه می‌دانستند. برقراری نظم و امنیت فرهنگی بر مبنای استقلال فکری و قطع وابستگی فرهنگی و جایگزین کردن فرهنگ مستقل اسلامی - ایرانی از وظایف دولت اسلامی است.

با توجه به عنایت خاص و ویژه‌ای که در گفتار و کلمات امام (ره) نسبت به مقوله فرهنگ و استقلال فرهنگی به چشم می‌خورد چنین استفاده می‌شود که امنیت فرهنگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به عبارت دیگر اگر امنیت فرهنگی وجود داشته باشد، امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی هم به وجود می‌آید.

دولت موظف است مقدمات و بسترهای لازم را برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه فراهم نماید و برطبق قانون اساسی ابزار و امکانات مورد نیاز مردم را از تحصیلات ابتدایی گرفته تا آموزش عالی مهیا سازد.^{۴۶}

«امروزه انسجام فرهنگی را یکی از منابع تأمین‌کننده امنیت داخلی می‌دانند. غرض از این مفهوم وجود سطح قابل قبولی از هماهنگی میان نهادهای متولی امور اجتماعی -

۱۲۶ فرهنگی در جامعه است که در نتیجه آن، تضاد در حوزه نهادهای فرهنگی به حداقل رسیده یا از بین برود.

امنیت فرهنگی دارای مفهومی وسیع و گسترده است. این امر طیف گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. از تبلیغات روزنامه‌ها و رسانه‌های عمومی گرفته تا افکار عمومی جامعه و تفکرات حاکم بر بخش‌های مختلف قدرت، همه در این حوزه قرار دارند. امنیت فرهنگی نیز مانند امنیت سیاسی لازمه توسعه است و تا امنیت فرهنگی نباشد نباید منتظر توسعه باشیم.^{۴۷}

در اندیشه سیاسی امام (ره) بر ضرورت استقلال فکری و فرهنگی و عدم قبول وابستگی تأکید شده است:

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است.

اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.

استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است.»^{۴۸}

از مجموعه فرمایشات و پیام‌های امام در مقوله فرهنگ و امنیت می‌توان استفاده کرد که راه رسیدن به استقلال فرهنگی یکی پایان دادن به فرهنگ بیگانه و دیگری بازگشت به اصالت خویش و هویت اسلامی است.

خود باختگی در مقابل فرهنگ غرب و بیگانه شدن از خویش خویشتن باعث تزلزل فرهنگی و اخلاقی خواهد شد و امنیت و ثبات فرهنگی جامعه را به خطر می‌افکند. امام (ره) در این باره فرمایند:

«... اگر جامعه از نظر فرهنگی، وابسته و تابع فرهنگ بیگانه باشد، مجبور می‌شود که در ابعاد دیگر اجتماعی هم به سوی دشمن برود و در نهایت، نابود می‌شود و شرف خود

حضرت امام (ره) برای اصلاح فرهنگ جامعه و حفظ و حراست از حریم علم و دانش، بر تربیت و تزکیه و تهذیب نفس تأکید دارند و پیشرفت حقیقی را در سایه تخصص و تعهد اسلامی می‌دانند:

«باید آنهایی که به این کشور علاقه دارند، آنهایی که به این ملت علاقه دارند، آنهایی که خودشان وابسته نیستند و خدمتگزار ابرقدرتها نیستند، آنها همت کنند به اینکه دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد، که همه تخصص‌ها در خدمت خود کشور باشد نه اینکه متخصص بشود و با آن تخصص اش ما را به دامن آمریکا بکشد؛ متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند»^{۵۰}

«صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزش‌های بی‌پرورش واقع می‌شود، علم را تحصیل می‌کنند لکن تقوا ندارند»^{۵۱}

۳. امنیت اجتماعی

حالت فراغت همگان از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی فردی یا گروهی در همه یا بخشی از جامعه پدید آورد، نظام حقوقی جدید مدعی است که قانون یا تعریف و حدگذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن آنان که از حدود پا فراتر نهند، امنیت فرد و اجتماع را پاسداری می‌کند، پلیس و دادگستری مأمور اجرای آن هستند.^{۵۲}

برای استقرار نظم و امنیت اجتماعی عناصر و عوامل مختلفی دخیل می‌باشند که در اینجا به بررسی برخی از آنها در افکار و اندیشه امام (ره) می‌پردازیم.

۱. استقرار عدالت اجتماعی

برقرار کردن عدالت در جامعه یکی از اهداف مهم حکومت پیامبران الهی و امامان معصوم است و یکی از پایه‌های اساسی امنیت به شمار می‌آید. امام خمینی (ره) آن را بهترین وسیله جلب اعتماد مردم و موفقیت دولت‌ها می‌داند و می‌فرماید:

«هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان براساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود مانند رسول اکرم (ص) و

۱۲۸ خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند.^{۵۳}

و در جای دیگری حکومت اسلامی را حکومت عدل و عدالت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

«در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند. عدالت الهی بر تمام ملت سایه می‌افکند.»^{۵۴}

همچنین ایشان شیوه امام علی (ع) در اجرای عدالت را الگویی ارزنده و مناسب برای حکومت داری می‌دانند و می‌فرمایند:

«ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم. اسلامی که راضی نمی‌شود حتی به یک زن یهودی که در پناه اسلام است تعدی بشود. اسلامی که حضرت امیر، سلام الله علیه، می‌فرماید برای ما چنانچه بمیریم، ملامتی نیست که لشکر مخالف آمده است و با فلان زن یهودیه‌ای که ملحد بوده است خلخال را از پایش در آورده است.»^{۵۵}

۲. امنیت مسکن و شغل

از دیدگاه اسلام و امام (ره)، امنیت تنها در مورد جان و مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود بلکه شامل تأمین شغل و مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است:

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.»^{۵۶}

اسلام ورود بدون اجازه به مسکن دیگران را ممنوع نموده و تعرض می‌داند حتی نگاه کردن به داخل خانه و محل سکونت پوشیده شده مردم را جایز نمی‌داند، تا آنجا که اگر شخص متعرض، به هنگام دفاع صاحب خانه به قتل برسد، خونش مهدور است.^{۵۷}

حضرت امام (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خطاب به مسئولان نظام درخصوص امنیت شغلی و عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد می‌فرماید:

«ما نباید ظلم کنیم، یعنی تفتیش نماییم که در داخل خانه‌های مردم چه می‌گذرد، کسی هم حق ندارد عشرتکده درست کند و یا قمارخانه، در حکومت اسلامی با این گونه

۱۲۹ امور مبارزه می‌شود. ما می‌خواهیم احکام خدا جاری شود. آن طرفش هست، این طرفش هم هست. آن طرف که نباید با مردم بدرفتاری کرد، نباید داخل منازل مردم ریخت، مردم باید در خانه هایشان مطمئن باشند، در زندگی‌شان، کسب و تجارت‌شان اطمینان داشته باشند. دولت اسلامی موظف است مردم را مطمئن نماید در همه چیز، در سرمایه‌هایشان در کسب و کارشان. دولت حق ندارد به آن‌ها تعدی نماید و اگر کسی تعدی کرد تأدیب خواهد شد. و از آن طرف هم اگر کسانی که مخالف اسلام هستند بخواهند تظاهر به فسق نمایند، آن‌ها هم تأدیب خواهند شد.^{۵۸}

«ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است...»^{۵۹} امام (ره) در مورد افرادی که شغل نامشروع و غیر قانونی دارند، هشدار می‌دهند: «کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع مواد مخدر است، مصداق مفسد فی الارض قرار می‌گیرند و علاوه بر ضبط مواد باید آنان را به مقامات قضائی معرفی کرد.»^{۶۰}

۳. مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. امام (ره) آن دسته از افرادی که انحراف اخلاقی دارند و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند به عنوان غده سرطانی معرفی کرده و معتقدند: آن که فاسد می‌کند جامعه را، و دست از فسادهایش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند.^{۶۱}

و در یکی دیگر از بیانات خویش، اعتیاد به مواد مخدر را به عنوان بلای خطرناک اجتماعی یاد کرده و نجات معتادان از چنگال آن را نجات اسلام می‌داند.^{۶۲}

۴. نظارت عمومی

امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و نظارت کارگزاران نظام از وظایف مهم اجتماعی به حساب می‌آید و از دیدگاه امام (ره) برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت لازم است. ایشان حتی مردم را به انتقاد از خودشان فراخوانده، می‌فرمایند:

«همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار

گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن»^{۶۳} و در جای دیگری این اصل اجتماعی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید:

«کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند»^{۶۴}

«امنیت تنها کار پلیس یا نیروی انتظامی یا نیروی اطلاعاتی و امثال آنها نیست. تمام دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی از آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گرفته تا رسانه‌های گروهی همه و همه باید دست به دست هم بدهند تا نظم، انضباط و احترام به قانون به یک ارزش تبدیل شود، به طوری که اگر یک فرد از اعضای خانواده کار خلافی انجام داد نتواند آن را برای خانواده خود نقل کند. هنوز متأسفانه در فرهنگ جامعه، بسیاری از کارهای خلاف، نوعی زرنگی تلقی می‌شود!...

این امر مستلزم یک تحول عمیق فرهنگی است. تا این تحول انجام نگیرد ما به اهداف بلند خود نخواهیم رسید»^{۶۵}.

۴- امنیت اقتصادی

یکی دیگر از اقسام امنیت، امنیت اقتصادی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه».

دولت اسلامی برای استقرار ثبات و امنیت و رفاه اجتماعی وظیفه دارد از طریق درآمدهای عمومی و پرداخت حق بیمه بازنشستگی، زندگی افراد کهنسال و از کار افتاده و محرومان جامعه را تأمین نماید و معضل بزرگ بیکاری را با اجرای طرح‌های اشتغال مرتفع سازد.

امام (ره) در زمینه تعدیل حیات اقتصادی، دیدگاه‌های سازنده و روشنی دارند که

۱. اسلام عامل تعدیل ثروت

«امام خمینی (ره) در این باره متذکر می‌شوند که اسلام برای برقراری حکومتی عدل گستر آمده است. چه، در این آیین، قوانین مربوط به امور مالی، از قبیل مالیات و بیت‌المال و شیوه جمع آوری مالیات از همه اقشار و طبقات جامعه، به طرز عادلانه‌ای تدوین و تنظیم شده است.»^{۶۶}

ایشان با بیان اسلام به عنوان عامل تعدیل ثروت می‌فرمایند:

اسلام است که جلو منافع شخصی را می‌گیرد، اسلام است که نمی‌گذارد این گردن کلفت‌ها زندگی اشرافی بکنند، یک زندگی آن جور که دلشان می‌خواهد بکنند، اسلام تعدیل می‌کند.»^{۶۷}

۲. خودکفایی در بخش کشاورزی

بنابه اعتقاد امام (ره) خودکفایی در کشاورزی اساس استقلال است و موجب قطع وابستگی سیاسی خواهد شد:

«توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچک‌ترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آب‌ها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دام‌داران و استفاده هر چه بیشتر از نعمت‌های بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر.»^{۶۸} به علاوه برنامه‌ریزی اساسی در جهت صنعتی کردن و نوسازی و ایجاد صنایع مادر را توصیه می‌نمایند.

۳. فقر زدایی

فقر و محرومیت‌زدایی برای تحقق عدالت اجتماعی همواره مورد تأکید امام راحل (ره) بوده و در این باره می‌فرمایند:

«همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و

تهیدستی در جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز و صبور و غیرت مند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند»^{۶۹}

امام (ره) با اشاره به زندگی رقت بار قشر عظیمی از مستضعفان جامعه برای سامان بخشیدن به وضع مسکن و مشکل زمین چنین می فرماید:

... این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد. مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد.^{۷۰}

با مطالعه و بررسی اندیشه امام در بعد اقتصادی، دو نکته اساسی توجه ما را به خود جلب می کند:

۱- محاصره اقتصادی موجب شکوفایی مغزها می شود.

۲- ملت ایران عزت خود را با رفاه وابسته به اجانب عوض نمی کند.

برای روشن شدن مطلب، عین سخنان آن حضرت را در اینجا به شرح ذیل می آوریم: «وقتی که محاصره اقتصادی بشود افکار همه مردم توجه به این پیدا می کند که ما باید خود کفا باشیم و متخصصین ما مشغول می شوند و افکار خودشان را به راه می اندازند و قدرت خودشان را به راه می اندازند و ایران را مستغنی می کنند از خارج و من به شما اطمینان می دهم که اگر تایک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران بیشتر به کار می افتد و ایران را خودکفا می کند.»^{۷۱}

همچنین عزت و سعادت را در سایه ایستادگی و تحمل سختی ها می دانند و می فرمایند:

«من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی کند.»^{۷۲} و باز در جای دیگری به همین موضوع اشاره می کنند و می فرمایند:

«سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم است که این ۱۳۳ اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم.»^{۷۳}

«اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرتها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستان‌های ما پر از شهدای عزیز ما نمی‌گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می‌رفت.»^{۷۴}

پی‌نوشت‌ها:

۱. دانشنامه سیاسی، آشوری، داریوش، ص ۳۸، چاپ سوم.
۲. برای بررسی بیشتر مراجعه شود به:
- P. melryn Leffler. "The American conception of National security and the Beginings of cold war", 1945-48, American Historical Review 89(2). 1984.PP.246-81.
۳. مقاله نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز، علی محمدی، جام جم مورخ ۳۰/۸/۸۱.
۴. پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ج. ۱.۱»، سید حسین ولی‌پور زرومی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۶ ش.
۵. سوره آل عمران، آیه ۱۵۳.
۶. سوره نور، آیه ۵۵
۷. سوره فتح، آیه ۴
۸. سوره بقره، آیه ۱۹۲
۹. سوره بقره، آیه ۱۲۵
۱۰. سوره بقره، آیه ۱۲۶
۱۱. سوره نحل، آیه ۱۱۲
۱۲. سوره حجر، آیه ۴۶
۱۳. سوره قلم، آیه ۸ و ۹
۱۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵، فیض الاسلام
۱۵. نهج البلاغه، نامه ۵۲، فیض الاسلام، چاپ چهارم
۱۶. همان، خطبه ۱۲۱، فیض الاسلام، چاپ چهارم
۱۷. همان، نامه ۵۲، فیض الاسلام، چاپ چهارم
۱۸. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، امام خمینی، ص ۱۱۹.
۱۹. همان، ص ۱۱۹.
۲۰. وصیت‌نامه سیاسی، الهی امام (ره) ص ۸، صحیفه انقلاب، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۱. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۹۰ بیانات امام در تاریخ ۱۴/۱۱/۶۳ به مناسبت دهه فجر
۲۲. صحیفه امام، جلد ۵، ص ۳۴۷.
۲۳. همان، ج ۴، ص ۴۶۰
۲۴. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی تصریح می‌کند به اینکه: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن

خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

۲۵. صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۲، صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۰۳

۲۶. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۴۴

۲۷. همان، ج ۵، ص ۵۴۸

۲۸. همان، ج ۲۱، ص ۱۰

۲۹. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۵

۳۰. همان، ج ۲۱، ص ۴۲۲

۳۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۲

۳۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱۱-۲۱۲ تاریخ ۶۷/۲/۲۷

۳۳. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶۰

۳۴. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۲

۳۵. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰۲-۱۰۱

۳۶. اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۷. همان

۳۸. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۷۱، تاریخ ۶۷/۱۰/۲۰

۳۹. انقلاب اسلامی: ریشه‌ها و چالش‌ها، روحانی، دکتر حسن، ص ۱۷۷.

۴۰. توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت، خاتمی، دکتر سید محمد، ص ۵۷.

۴۱. ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، امام خمینی، ص ۶۲

۴۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۷۷

۴۳. برای اطلاع بیشتر به کتاب سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی مراجعه شود.

۴۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۵، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۶

۴۵. انقلاب اسلامی: ریشه‌ها و چالش‌ها، ص ۱۷۶

۴۶. قانون اساسی بند سوم از اصل سوم براین مطلب تصریح می‌کند که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. با گسترش آموزش مقدماتی، متوسطه و عالی که موجب شناخت افراد کشور نسبت به حقوق خود خواهد شد.

۴۷. انقلاب اسلامی: ریشه‌ها و چالش‌ها، ص ۲۰۲-۲۰۳، چاپ اول.

۴۸. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۶۰، پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی مورخ ۶۰/۶/۳۱.

۴۹. پایداری و ثبات در شخصیت امام خمینی (ره)، ترجمه شیخ کاظم یاسین، چاپ اول ص ۷۶

۵۰. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۱۱-۲۰۹، مورخ ۵۹/۹/۲۷

۵۱. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۱۸۴

۵۲. دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، تهران، ص ۳۹

۵۳. ولایت فقیه، ص ۶۰-۵۹

۵۴. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۷۹

۵۵. صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۲، مورخ ۵۸/۶/۱۴

۵۶. قانون اساسی، اصل ۲۲

۵۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۱
۵۸. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۶۲ - ۱۶۱
۵۹. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۶۱.
۶۰. همان
۶۱. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، امام خمینی، ص ۸۲
۶۲. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، امام خمینی، ص ۸۳
۶۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵
۶۴. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۹۱
۶۵. انقلاب اسلامی: ریشه‌ها و چالش‌ها روحانی، دکتر حسن، ص ۲۱۸
۶۶. شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶۷. صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۷۲
۶۸. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۸
۶۹. همان، همانجا، ص ۱۲۹
۷۰. همان، ج ۵، ص ۲۷۴
۷۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۷۵
۷۲. همان، ج ۲۱، ص ۵۶
۷۳. همان، ج ۳، ص ۴۹
۷۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی